

به مناسبت ۳۰ خرداد ۶۰

جوانان ایران با به‌زیر کشیدن رژیم توحش اسلامی یاد جانباختگان کشتارهای رژیم را گرامی میدارند



شما و جوانان کمونیست

جواب به نامه‌های رسیده
بهرام مدرسی
دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

فکرشان به قبول نداشتن خدا از سوی کمونیستها می‌رود. نظر شما در این‌باره چیست؟

روشن است که کمونیستها خدا را قبول ندارند اما عدم اعتقاد به وجود خدا و یا انکار وجود چیزی ماورای وجود بشر، نه از کمونیستها شروع میشود و نه به کمونیستها خلاصه میشود. در این رابطه میتوان به تاریخ صفحه ۳

دوست عزیز از تهران سوال کرده است:

"یکی از بزرگترین علت‌هایی که مردم از کمونیسم حمایت نمیکنند، این است که میگویند کمونیستها خدا را قبول ندارند و به این خاطر حاضر نیستند کسی از اندیشه کمونیستها بدانند چون تا اسم کمونیسم می‌آید

اصلاح‌طلبان امروز هستند، جلادان دیروز از معمم و لیبرال حتی جرات یادآوری جنایاتشان به همدیگر را هم ندارند.

اما! این روز آغاز اعدام هزاران انسان تنها به جرم مسلمان نبودن و به جرم قبول نداشتن خدا بود. پیش از آن بنی‌صدر رئیس جمهور وقت، کف به دهان آورده به پاکسازی دانشگاه‌ها کمر بسته بود و چمران با لشکر ارازل و ابوباش به کردستان حمله کرده و خلخالی کودکان ۱۲ ساله را به جوخه‌های اعدام سپرده بود. این انتقام نمایندگان معمم و لیبرال سرمایه‌داری از انسانهایی بود که رژیم سرمایه‌داری شاه را به‌زیر کشیده بودند.

امروز ۲۱ سال از آن روزها می‌گذرد، جانیانی که دستشان به خون پدارن و مادران، دوستان و آشنایان ما رنگین است، همه میدانند که دیگر به پایان خط رسیده‌اند. جانباختگان دیروز

بنی‌صدر تا چمران و خاتمی صف کشیدند و مترصد فرصتی شدند تا این نسل پیاخوایسته را به خاک و خون بکشند. روز ۳۰ خرداد سال ۶۰ این روز بود.

۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ سرآغاز شروع انتقام رژیم اسلامی از نسلی بود که برای آینده‌ای بهتر و زندگی برابر، رژیم شاهنشاهی را به‌زیر کشیده بود. مردم، زنان، کارگران و جوانان، رژیم شاهنشاهی را به‌زیر کشیدند، چرا که خواهان زندگی آزاد و بدور از سرکوب ساواک، چرا که خواهان دنیایی برابر بودند. رژیم شاه نتوانست این مردم را سرکوب کند و کشتارهایی چون ۱۷ شهریور مردم را از مبارزه با این حکومت دیکتاتوری باز نداشت. برای سرکوب این مردم، نقشه کشیدند و بختک رژیم اسلامی را بر سر مردم نازل کردند. کاری را که "شاه سایه خدا" از انجامش برنیامد را نمایندگان زمینی خدا و قرآن، لشکر امامان جمعه، لیبرالهای جبهه‌ملی، بازرگانها و بنی‌صدرها عهده‌دار شدند. آنها از بهشتی و منتظری تا خلخالی و خمینی، از بازرگان و

رشد مارکسیسم در ایران

بهرام مدرسی

فاقد پایگاه اجتماعی در جامعه هستند

رفسنجانی روز شنبه ۲۶ خردادماه در جلسهای با جمعیت موتلفه اسلامی گفت که: "برخی جریانات داخلی سعی در ترویج اندیشه‌های سکولاریستی و تضعیف افکار اسلامی و اعتقادات دینی در جوانان را دارند." و در ادامه گفت: "اندیشه‌های ملی‌گرایی، مارکسیستی و سکولاریستی

مرگ بر جمهوری اسلامی گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری سازمان جوانان کمونیست ۲۲ خرداد ۱۳۸۱



مذهبی اند. نوع رابطه جنسی ۸۹ نفر، جنس مخالف (هترو سکسوال) و ۱۱ نفر هم جنس (هموسکسوال)

صفحه ۳

اگر.....

بهر روز مدرسی

از ۱۰۰ نفر ساکنین این دهکده جهانی:

۵۷ آسیایی، ۲۱ اروپایی، ۱۴ آمریکایی و ۸ آفریقایی هستند. ۵۲ نفر زن و ۲۸ نفر مرد! ۳۰ نفر سفید پوست و مابقی با رنگ پوستهای متفاوت! ۷۰ نفر غیر مذهبی و ۳۰ نفر

اگر..... دنیا را به اندازه یک دهکده کوچک با ۱۰۰ نفر ساکنین آن کوچک کنید. طبق آمار رسمی سازمان ملل، موقعیت مردم جهان در این مقیاس کوچک چنین خواهد شد:

کودکان اول، چرا و چگونه؟

صفحه ۴

مردم دوست دارند راحت شوند

صفحه ۶

فرار! به کجا؟؟؟؟

صفحه ۶

آزادی، برابری حکومت کارگری!

از میان نامه های رسیده



فرار! به کجا ؟؟؟؟

مهدی شهابی

تأثیر محیط نا امن جامعه، محیطی که ساخته رژیم عقب مانده ای چون جمهوری اسلامی است، بر روابط خانواده و پدر و مادر و بر جوانان مشکلات بغرنجی را پدید آورده است. حل این مشکلات بدست پدران و مادران و یا متخصصین مسائل و مشکلات جوانان، غیر ممکن به نظر میرسد.

مشکلاتی از قبیل پرخاشگری، خود کم بینی، افسردگی، انزوا و در مراحل حاد فرار از خانه. بازبینی این مشکلات و جویا شدن علل آن برای پدر و مادر و افراد دلسوز جامعه و یا پزشکان و روان کاوان، نتیجه ای جز سر باز زدن جوانان از سوالات آنها ندارد.

در مورد مسئله ای خاص اما میخواهم سخن بگویم. مسئله ای که در سالهای اخیر مشکلات جدی برای خانواده و افراد آن و از همه مهمتر برای خود جوانان و نوجوانان و همچنین جامعه ای که در آن زندگی میکنند بوجود آورده است. فرار از خانه علل بیشماری میتواند داشته باشد. کمبود های مالی و تحت فشار قرار گرفتن برای

مشکلات آموزشی، محدودیت نوع لباس و موزیک مورد علاقه جوانان، به قولی تماسهای مشکوک تلفنی، کنکاش خانواده در خصوصی ترین روابط جوانان است که موجبات فرار آنها از خانه را فراهم میآورد. اما سؤالی که همچنان بیجواب مانده این است که چه عاملی این اختلافات را هر روز باز تولید میکند؟ چه عاملی سبب استناداردهای غلط بر دنیای اطراف این نسل را به نفع خود میدانند؟ پدر و مادر از کدام منبع روشهای برخورد یا به قولی تربیت فرزندان را می آموزند؟ و بالاخره دولتی که بر جامعه حاکم است چه

مردم دوست دارند راحت شوند

از: ایران

سلام بر دوستار آزادی

بگویم. چون فکر می کنم نظراتم خوب است. ... اینجا فساد همه جا را گرفته است. جوانان از زور شهوت به هیچ کس رحم نمی کنند. به دلیل نبودن شهر نو، خیابان ها شهر نو شده است.

جوان ها بیکار هستند. اختلاف طبقاتی بسیار زیاد است. گرانی بیداد می کند. ای کاش می توانستم کاری برای این مردم و جوانان بکنم. چون از نزدیک اینها را می بینم.

مردم کوچه و خیابان؟ یا شاید همه اش تقصیر «غرب» است که این جوانان را «غریزه» کرده و از خانه و کاشانه و مدرسه و تحصیل محروم کرده است؟ با کمی تأمل خواهیم دید که اینهم یک پاسخ سطحی برای خلاصی از شر کسانی است که هرروز در ذهنشان چراهائی تازه سر بیرون میآورند.

ما عامل از خود گریزی و نابسامانیهای جوانان را، عامل بی تفاوتی و افسردگی آنان را، عامل اعتیاد، تنفروشی، زندانی شدن، سوزانده شدن و فرار از خانه را رژیم میدانیم که در مدرسه نماینده اطلاعاتش، هسته مشاوره، جوانان را مورد آزار و اذیت قرار میدهد. در خیابان چماقداران رژیم بر سر جوانان میکوبند و در محیط خانواده تبلیغات مسموم عرصه را بر جوانان تنگ می کند.

محیطی که در آن سالها سرکوب شده اند و انتظار کشیده اند. انتظار روزی که بتوانند از آن بگریزند و با خود عهد بسته اند که دیگر تحت هیچ شرایطی به آن باز نگردند. هرگز! به نظر شما چه کسانی مقصرند؟ پدران؟ مادران؟ معلمان؟ مربیان؟

تحت فشار قرار دادنش محیط خانه را به زندانی تنگ و تاریک برایش بدل میکنید، آیا تحت تاثیر تفکرات ضد مدرنیسم و عقب مانده رژیم این اعمال را مرتکب نمی شوید؟ پدران و مادران گرامی از بسته بودن در اتاق آنان تترسید. بسته بودن و عقب ماندن تفکر فرزندان باید شما را به فکر وادارد. اینکه فرزند جوانتان با کسی «نمی جوشد»، اینکها و کنکاش نمی کند، و هر دم سوالاتی تازه را فتح نمی کند، معضلی بسیار بزرگتری است. ناخوشایندی شما از موزیک غربی، تی شرت سیاه استین کوتاه با چاپ عکس رنگی گروه متالیکا و یا موی بلند جوانتان، نباید نگرانتان کند. چیزی که می بایست شما را به فکر بیندازد پیدا کردن راههایی است که مانع از آن شود که جوانتان به سرنوشت جوانان فراری دچار شود.



جوانان زیادی شب تا صبح در پارکها، زیرزمین ترمینالها و زیر پله های دستشویی های عمومی خیابانها از سرمای زمستان به خود میلرزند و در گرمای تابستان به بیماریهای لاعلاج گرفتار میشوند و یا به جرم سرقت و فروش مواد مخدر راهی زندان بزهکاران جوان میشوند. بعضی ها در تونلهای قطارهای بازی شهر بازی به علت مصرف ناصحیح و غیر بهداشتی مواد مخدر میمیرند. دخترانی از ترس زندان یا حمله اوپاش شباهنگام مجبورند ساعتها در خیابانها سرگردان بدنیا کسی باشند که شب را تن بفروشد تا پول یک

**به سازمان جوانان
کمونیست پیوندید!**



اگر..... از صفحه ۱

اگر تا کنون جنگی را به چشم ندیده، تنهایی و ترس را در زندان تجربه نکرده و طعم گرسنگی را نچشیده اید، "خوشبخت" تر از ۵۰۰ میلیون نفر از ساکنین این کره هستید. اگر یخچالی در خانه دارید و مواد غذایی در آن هست، اگر لباسی به تن دارید و سقفی روی سرتان، اگر تختخوابی برای استراحت در اختیار دارید، دارایی تان بیشتر از ۷۵ درصد مجموعه ساکنین روی کره زمین هستید. اگر حسابی در بانک و مقداری پول خرد در جیب دارید، به ۸ درصد از مردم غیر «تهیدست» جهان تعلق دارید.

اگر میتوانید این نوشته را بخوانید، بدانید که متعلق به جمعیت دو میلیارد نفره مردم جهان نیستید که بی سواد هستند. اگر به آینده و یک دنیای بهتر، انسانی، آزاد و برابر فکر کرده و خواهان آن هستید، به ۹۰ درصد ساکنین کره زمین تعلق

روزانه ۱ نفر از آنها می میرد و ۲ نفر متولد می شوند. از همه جمعیت یکصد نفره، تنها یک نفر امکان تحصیل و دسترسی به کامپیوتر را دارد.

و در مقیاس واقعی

اگر امروز سالم و سلامت بیدار شده اید، "خوشبخت" تر از یک میلیون انسان دیگر روی کره زمین هستید، یک میلیونی که تنها تا یک هفته دیگر زنده خواهد بود.

اگر میتوانید این نوشته را بخوانید، بدانید که متعلق به جمعیت دو میلیارد نفره مردم جهان نیستید که بی سواد هستند. اگر به آینده و یک دنیای بهتر، انسانی، آزاد و برابر فکر کرده و خواهان آن هستید، به ۹۰ درصد ساکنین کره زمین تعلق

از سایت سازمان جوانان دیدن کنید

www.jawanan.org

از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane@yahoo

مرزبندی بر اساس آن است. به تمام این واقعیات باید شرایط امروز ایران را هم اضافه کرد. جمهوری اسلامی هنوز سرکار است و طبیعی است که هنوز افکار رسمی و رسانه ها در این جامعه، خرافات مذهبی را تبلیغ میکند. اگر مردم یک روز و فقط یک روز فرصت بیابند کاری که دلشان میخواهد با رژیم اسلامی بکنند، در همین یکروز میبینیم که چطور مراسم قرآن سوزان و چادرسوزان به راه می افتد.

واقعیات زندگی بسیار قوی تر از قبول یا عدم قبول خدا هستند. این مردم از دست حاکمیت اسلام به فغان آمده اند. بعید است که از تبلیغات ضد مذهبی ما برنجدند و یا از کمونیست ها برگه عبور «اعتقاد به خدا» بخواهند. «گریختن» مردم از ما به خاطر عدم اعتقاد به خدا، تبلیغات سیاسی علیه ما است. آن را باور نکنید. تاریخ حضور کمونیسم در صحنه سیاست و تاریخ شکستن دیوارهای سانسور علیه کمونیست ها، غیر از این را نشان میدهد. مردم کمونیست ها را دوست دارند.

به اصل سوال بازگردم، آیا واقعا مردم به این خاطر از کمونیستها میگریزند؟ جواب من منفی است. بگذارید به دو تجربه اشاره کنم. در کردستان کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران سالها است که همراه با مردم به مبارزه علیه رژیم اسلامی میپردازند. کسی در کردستان بخاطر عدم اعتقاد ما به خدا، از ما دور نشد. و این علیرغم تبلیغات رژیم اسلامی و احزابی مثل حزب دمکرات بود. واقعیات زندگی و مبارزه، آرمانهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه کمونیستها جایی برای تبلیغاتی از این نوع باقی نمیگذاشت. کنفرانس برلین را بیاد آورید. تلاش کنفرانس برای خریدن وجهه برای حکومت اسلامی، اساسا توسط فعالین حزب کمونیست کارگری ایران به شکست کشانده شد. بعد از این واقعه حزب کمونیست کارگری ایران به خانه میلیونها انسانی رفت که جانشان از دست جمهوری اسلامی به لیشان رسیده است. آنجا مردم نرسیدند که ما به خدا اعتقاد داریم یا نه؟

واقعیات مبارزه و شور تلاش مشترک برای ایجاد دنیایی بهتر بسیار با ارزش تر از قبول خدا و

مبارزه میکنند که در آن همه انسانها مستقل از رنگ پوست، اعتقادات و جنسیت شان شهروند برابر و متساوی الحقوق باشند. آنها برای وسیع ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی مبارزه میکنند. و این بدون مبارزه و افشا ابزارهای طبقات حاکم در تحمیل انسان، یعنی بدون مبارزه با مذهب که انسانها را به زندگی امروزشان قانع میکند، بدون مبارزه با مذهب سیاسی که ابزار سرکوب و ارباب است، انجام نمیگیرد. تجربه تک تک جوانان همین امروز این را اثبات میکنند.

همه می بینند که چگونه در حکومت اسلامی دوستی با جنس مخالف با شلاق و زندان و سنگسار اسلامی جواب میگیرد، چگونه ابتدایی ترین خواستهای انسانی با مخالفت رژیم اسلامی روبرو میشود، چگونه بود و نبود رژیم اسلامی به روسری اسلامی و حجاب اجباری گره خورده است. و این یعنی اینکه اسلام و مذهب، خدا و نمایندگان زمینیش ابزار سرکوب ابتدایی ترین خواستهای انسان اول قرن ۲۱ در ایران هستند. یعنی اینکه برای رسیدن به ابتدایی ترین خواستههایمان باید اسلام در قدرت را کنار زد. باید جمهوری اسلامی را به زیر کشید. واقعیت این است که جنبش ضد مذهبی در ایران هیچگاه تا به این حد قوی و پر حرارت

کودکان اول، چرا و چگونه؟

کنفرانسی در مورد

آزادی و آینده کودکان!

اطلاعیه مطبوعاتی شماره : ۱
تاریخ: ۱۶ ژوئن ۲۰۰۲

اول کودکان برگزار می کند

زمان: ۷ و ۸ سپتامبر

مکان: سوئد، استکهلم
برای ثبت نام و اطلاعات بیشتر در مورد برنامه های کنفرانس میتوانید با آدرس و شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

childrenfirst@pathcom.com

آمریکای شمال:

Tel : 1- 416 - 434 1545

Fax: 1-781 735 8359

اروپا:

Tel : + 46 (070)6785183

Fax: + 46 (070)6199054

اول کودکان

کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان

Children First, International Campaign for Children's Rights

از صفحه ۱

را در کمونیسم می یابند. به این خاطر است که متوجه کمونیستها و مشخصا حزب کمونیست کارگری ایران می شوند. این آن «خطری» است که رفسنجانی حس می کند! به رفسنجانی باید گفت که: طوفان در راه است! شما فرصت تنها اعتقادی به «اندیشه های مذهبی» ندارند بلکه روز به روز بیشتر به مارکسیسم و سکولاریسم روی میاورند. اما چرا؟ جوانان در جستجوی خوشبختی و سعادت اند. آنها سکولاریسم و زندگی بدون خفقان اسلامی، زندگی بدور از فرهنگ متحجر و عقب افتاده «ایرانی» که سرتا پای آن به اسلام و زن ستیزی آغشته است، یک دنیایی که در آن زن و مرد با هم برابر باشند، دنیایی که در آن خبری از استثمار و بیکاری و گرسنگی نباشد، یک دنیایی که در آن بالاترین حد آزادی های شخصی و اجتماعی وجود داشته باشد، را آرزو می کنند. این آمال و آرزوهای نسل جوان ایرانی است که تحقق آنها

رفسنجانی! مسئله بر سر حضور کمونیستها هستند! رفسنجانی که رئیس مجمع تشخیص مصلحت جمهوری اسلامی هم هست، «تشخیص» داده است که جوانان ایران نه تنها اعتقادی به «اندیشه های مذهبی» ندارند بلکه روز به روز بیشتر به مارکسیسم و سکولاریسم روی میاورند. اما چرا؟ جوانان در جستجوی خوشبختی و سعادت اند. آنها سکولاریسم و زندگی بدون خفقان اسلامی، زندگی بدور از فرهنگ متحجر و عقب افتاده «ایرانی» که سرتا پای آن به اسلام و زن ستیزی آغشته است، یک دنیایی که در آن زن و مرد با هم برابر باشند، دنیایی که در آن خبری از استثمار و بیکاری و گرسنگی نباشد، یک دنیایی که در آن بالاترین حد آزادی های شخصی و اجتماعی وجود داشته باشد، را آرزو می کنند. این آمال و آرزوهای نسل جوان ایرانی است که تحقق آنها

میشود. و به همه آن جوانانی که به مارکسیسم روی می آورند باید گفت که: امروز برای اولین بار در تاریخ ایران یک حزب کمونیست کارگری وجود دارد که عزم کرده است به این نکتب اسلامی - سرمایه داری خاتمه دهد. به آن بپیوندد و بیاید که با تلاش مشترکمان دنیایی را که محقق هستیم بوجود آوریم. آینده میتواند فقط از آن ما باشد! به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندد!

فرم درخواست عضویت در سازمان جوانان کمونیست

در راه مبارزه برای یک جامعه آزاد و برابر به سازمان جوانان کمونیست بپیوندد!

سال تولد:

نام و نام خانوادگی:

تلفن:

آدرس پستی:

تاریخ:

امضا:

e mail:

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628	لیلا روشن ضمیر	دانمارک:
0044 776 110 66 83	فرشاد پویا	انگلستان:
0049 163 26 93 033	نهبز احمدزاده	آلمان:
0046 70 48 68 647	مریم طاهری	سوئد:
001 416 69 80 358	مهدی شهابی	کانادا:
0049 172 2957603		ترکیه:
0049 174 944 02 01	بهرام مدرسی	دبیر کمیته مرکزی

از این سایت ها دیدن کنید: www.haftegi.com www.rowzane.com
www.wpiran.org www.hambastegi.org
www.wpi briefing.com www.medusa2000.com

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی
shahabi_99@yahoo.com

Tel: 001- 416 434 15 45
Fax :001- 781 735 83 59
E-Mail : shahabi_99@yahoo.com
javanane-komunist@web.de
www.jawanan.org

Address: Jawanan
Postfach 62 05 15
10795 Berlin /
Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندد!